



نوروز در قلمرو فرهنگ مردم بصری بروجرد

غلامحسین کرزبر (یار احمدی)

در ۳۵ کیلومتری جنوب شهر بروجرد روستای زیبای بصری (besry) واقع شده با مردمانی سخت کوش و بامحبت که کارشان دامداری و کشاورزی است و علاوه بر فرآورده‌های دامی، گندم، جو، چغندر قند، نخود، لویا، عدس، یونجه و شبدر (خوراک دام) برداشت می‌کنند. آقای غلامحسین کرزبر (یار احمدی) - متولد ۱۳۱۴ - با شروع برنامه رادیویی فرهنگ مردم به ندای آقای انجوی شیرازی جواب مثبت داد و از ۱۳۴۶/۲/۲۶ شروع به گردآوری، تنظیم و ارسال مطالبی از فرهنگ مردم بصری بروجرد کرد. این همکاری صمیمانه فرهنگی هنوز هم با فرهنگ مردم رادیو ادامه‌ای پرثمر دارد. در ضمن کتاب فرهنگ مردم بروجرد براساس نوشته‌های ایشان و به کوشش علی آنی‌زاده بزودی از سوی واحد فرهنگ مردم اداره کل پژوهش‌های رادیو منتشر می‌شود.

در سال‌های قبل (حدود سی سال پیش) دیوار خانه را با خاک سفید مخصوص که از معدن نزدیک آبادی و با چهارپا می‌آوردند سفید می‌کردند. خاک را می‌کوبیدند، دوغاب درست می‌کردند و با جاروی نرم دیوار خانه را با این رنگ طبیعی و بی‌ضرر می‌پوشانیدند. ولی اکنون بانوی خانه - اگر خانه‌اش احتیاج به رنگ داشته باشد - قبل از رسیدن چهارشنبه آخر سال این کار را انجام می‌دهد و تمام خانه را گردگیری و تمیز می‌کند و اسباب و اثاثیه تمیز شده را با طرحی جدید و باسلیقه‌ای خاص در خانه می‌چیند.

وقتی زمستان دراز و طولانی با ازدورخارج شدن چله کوچک، پیرزن سرما و از رونق افتادن بساط سرما از روستا می‌رود و زمین نفس گرمی می‌گشود، بهار با شکوفه‌های رنگارنگ، سبزی و خرمی از راه می‌رسد و راه برای عید نوروز باز می‌شود تا مردم مقدمش را با آیین تمام گرامی بدارند.

مردم بصری بروجرد یک ماه مانده به نوروز به فکر خرید و تهیه مایحتاج خانه می‌افتند و چیزهایی را که برای استقبال از عید نوروز نیاز دارند می‌خرند تا خانه‌تکانی را شروع کنند.

ریش سفیدان و گیس سفیدان وارد خانه می‌شود و بعد از پذیرایی و احوال‌پرسی مرسوم، و همچنین بعد از طلب صلوات و خواندن حمد و سوره و درخواست آموزش تازه گذشته از خداوند، می‌گوید: «خداوند بچه‌ها و دیگر بازماندگان شما را سلامت نگه‌دارد. خداوند امانت خود را از میان شما برده، این کار خداست و همه ما باید در روزی، دقیقه‌ای و ثانیه‌ای (که از پیش معلوم شده) چشم از جهان فانی ببندیم و به دنیای باقی برویم.



کسی زنده نیامده، تا زنده برود. خداوند به همه شما بازمانده‌ها صبر عنایت کند، شما را به همان خدا، غم‌ها و غصه‌هایتان را در سوگ این عزیز به خاک سرد بسپارید و روح آن مرحوم را شاد کنید.»
بعد از سخن‌هایی دیگر پیراهن نو به تن عذارها می‌پوشانند و با اجرای این رسم (سیاه برداشتن) دسته‌جمعی به مزار می‌روند و برای شادی روح نوگذشته فاتحه‌ای می‌خوانند و دعا می‌کنند.

عیدی خواهر، دختر

یکی از رسم‌های خوب ایرانیان، دادن و گرفتن عیدی است. بزرگان اسکناس تان شده را در بین صفحات قرآن می‌گذارند و با دست خود تقدیم می‌کنند. در بصری رسم است برای خواهر، دختر یا دختران دیگر خانواده‌شان که به خانه بخت رفته‌اند همه ساله عیدی می‌برند.

عیدانه (نوعید، سیاه‌برداری)

اولین چیزی که بعد از خانه‌تکانی، رُفت و روب و مرتب و منظم کردن چیدمان درون و بیرون خانه (به ویژه مهمان‌خانه) به فکر اهل خانه می‌رسد، تهیه عیدی برای کسانی است که عزیزی را از دست داده‌اند و بنا به یک سنت کهن و پسندیده همه ساله تقدیم آنها می‌شده و اکنون هم این رسم به یادماندنی و محبت‌برانگیز در استان لرستان به ویژه در بصری بروجرد اجرا می‌شود.

عیدی‌بردن برای این خانواده‌ها از جمله رسوم رایج در منطقه است که حدود یک ماه مانده به نوروز، طی مراسمی به خانه متوفی می‌روند و به تعداد افراد خانه پیراهن تهیه می‌کنند تا آنها لباس‌های سیاه (عزا) را از تن خارج کنند و به یمن رسیدن سال نو، دست از عذاراری و ماتم و سوگ بردارند.
بزرگ آبادی (طایفه) همراه عده‌ای دیگر از

اگر پدر و بزرگ خانواده از دنیا برود، فرزندان او باید همه ساله این کار را انجام دهند تا به قول مردم «چشم عیدی گیرنده بریده نشود» و روح پدر و بزرگ خانواده از آن راضی باشد.

خانم‌هایی که فاقد برادر و یا اولاد پسر باشند، اجرای این رسم را مردان دیگر طایفه به عهده دارند و عیدی آنها را می‌برند تا دل‌تنگ و چشم به راه نباشند.

عیدی را حدود دو هفته مانده به نوروز برای این بانوان می‌فرستند. عیدی ممکن است پیراهن، کفش یا لوازم ضروری خانه باشد. اما از قدیم رسم است که این هدایا را در پارچه یا دستمال قرمز رنگ و گاهی سبزرنگ می‌بندند.

بعضی همراه عیدی ممکن است مبلغی پول، پاکتی شیرینی و کیسه‌ای حنا هم بگذارند اما بیشترین و متداول‌ترین عیدی روسری‌های محلی بزرگ به نام «هراتی» است.

عیدی گیرنده ظرف عیدی را خالی بر نمی‌گرداند و با پذیرایی کامل از عیدی آورنده بشقابی شیرینی، کله قند، ظرفی سبزه یا مبلغی پول در ظرف یا پارچه او می‌گذارد. اگر دختر خانواده در نزدیک و همسایگی باشد، همراه عیدی یک دیس پلو شب عید هم با مقداری شیرینی برایش می‌برند.

شال‌اندازی (šaldoreky)

بچه‌ها و نوجوانان در شب عید بعد از شادی و آتش‌بازی و خوردن شام مخصوص شب عید (پلو گوشت) با شال یا روسری محلی (مینا) (meynâ) به پشت‌بام و یا مقابل در و پنجره خانه اقوام و همسایه‌ها

می‌روند و در حالی که خود را در تاریکی مخفی کرده‌اند آهسته سر شال خود را از روزنه بام خانه‌های قدیمی یا پنجره به داخل می‌اندازند و با صدای بلند می‌گویند:

اول اول باهاره خیر د حونت بواره

(aval avale bâhâra xeyr de hunat bavâra)

زنت دو کر بیاره (zanet do kor biyâra)

نون و پنیر و شیر (nun o panyr o šyreh)

کخا حونت نمیره (kaxâ hunat namyreh)

برگردان: اول اول بهار است خیر به خونهات بیارد، نان و پنیر و شیر، بزرگ خانهات نمیره.

صاحب‌خانه با شنیدن صدای شال‌انداز، تخم‌مرغ، چند عدد گردو یا شیرینی در شال می‌گذارد و آن را تکان می‌دهد و می‌گوید: «علی، بکش بالا»، شال‌انداز در جواب می‌گوید: «علی یارت» و شال را می‌کشد.

بعضی از مردم برای شوخی سنگ لای شال بچه‌ها می‌بندند. وقتی متوجه ناراحتی بچه‌ها می‌شوند با اعلام این که شوخی بوده از آنها می‌خواهند دوباره شال را به داخل بیندازند. اما اگر شال‌انداز ببیند که صاحب‌خانه قصد شوخی نداشته است با دوستان دیگر دسته‌جمعی برای او می‌خوانند:

امشو اول قاهاره (emšow avale qâhâre)

خیر د حونت نواره (xeyr de hunat navârâ)

نون و پنیر و حلوا

کخا حونت لنگ والا (keyxâ hunat lonq vâlâ)

برگردان: امشب اول قاهره (بزرگترین شب سال)، خیر به خونهات نواره، بزرگ خانهات بمیره.

بچه‌ها و نوجوانان در این بازی از خانه‌ای به خانه بعدی می‌روند و در پایان با کوله (کیسه) پر از هدایای

اقوام و همسایه‌ها به خانه‌هایشان برمی‌گردند.

شب عید

شب عید نوروز کمتر دیده می‌شود که در خانه‌ای بسته باشد. همه اهالی در را باز می‌گذارند تا روزی و برکت خانه آنها زیاد شود. برخی معتقدند یک موجود خیالی در شب عید به خانه‌ها سر می‌زند. به همین دلیل در را باز می‌گذارند تا او وارد خانه شود و قهر نکند. بعضی‌ها این موجود را یک ملک از ملائکه می‌دانند. در زمان تحویل سال همه سعی می‌کنند در خانه خودشان و کنار سفره عید حضور داشته باشند و با دلی شاد و روحیه‌ای به دور از هر نوع عصبانیت و لبی پر خنده سال نو را شروع کنند.

اصطلاحات خاص بعد از سال تحویل

- عید شریفان مبارک
- این سال را ببینی و صد سال دیگر
- بهارتان سبز و خرم باشد ان شاءالله

خوردنی‌های خاص مراسم دید و بازدید

- آش کشک با اسفناج پخته شده
- شیربرنج از شیر تازه گاو و گوسفند
- سمنوی دست پخت بانوی خانه
- آجیل و شیرینی

هواشناسی

اگر در روز اول عید نوروز باران ببارد آن را به فال نیک می‌گیرند به امید رسیدن بهاری سبز و خرم و اگر در اول اسفند ماه که هنوز هوا گرم نشده قورباغه‌ها بخوانند، می‌گویند گرمی در پیش خواهد بود.

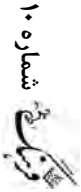
آخرین جمعه سال

در بعدازظهر جمعه پایانی سال مردم به مزار و قبرستان آبادی می‌روند و در آنجا ابتدا برای تمام اهل قبور فاتحه‌ای می‌خوانند و بعد به سر خاک اقوام و نزدیکان خود می‌روند و روی قبر آنها آب می‌پاشند و صلوات می‌فرستند. خانم‌ها هم بر سر قبر نوگذشته‌ها می‌روند و به عزاداری و مویه می‌پردازند. عده‌ای تا حد ممکن قبوری را که دچار خرابی شده‌اند با وسایل بنایی که با خود برده‌اند تعمیر می‌کنند تا شکل ظاهری مزار حفظ شود.

در بصری بروجرد رسم است در سر قبر اموات خرما و شیرینی بین مردم تقسیم کنند و بعد از خواندن فاتحه و فرستادن صلوات به خانه‌هایشان می‌روند و در آنجا حلوایی مخصوص با روغن حیوانی و شیره انگور می‌پزند و قبل از اذان مغرب به پشت بام می‌برند (که در آنجا اقوام و همسایه‌ها جمع شده‌اند). حلوای خیراتی را با نان لواش به همه می‌دهند و گیرنده حلوا حمد و سوره‌ای می‌خواند و برای آموزش همه اموات دعا می‌کند.

سفره هفت سین

در سفره عید، یک جلد کلام‌الله مجید، یک کله قند، سبزه، یک کاسه یا لیوان آب، سمنو، چند سکه، سبزی خوردن، بشقاب پلو، گوشت پخته مرغ یا غاز، پرتقال و سیب می‌گذارند. (البته به تعداد سین‌های سر سفره اهمیت زیادی نمی‌دهند.)



اگر در روز دوم عید باران بیارد می‌گویند چون در میان عید و سیزده بدر نوروز باران آمده ممکن است بهاری کم باران را در پیش داشته باشند و کشت بهاره کمتری می‌کارند.

گاو‌بندی (گاو‌بندان)

کشاورزان آبادی در زمانی که زمین‌هایشان را با هفت گاو نر شخم می‌زدند به صورت نمایشی در روز عید گاوها را جفت می‌کردند و گاو آهن (خیش) به آنها می‌بستند و به سرزمین یا مزرعه و کشتزار می‌بردند و چند شیار بر زمین می‌زدند. بنا به این رسم کهن اکنون بعضی‌ها تراکتورها را روشن می‌کنند و به کشتزار می‌برند.

باورهای دیگر

اگر در روز اول عید کسی از دست بزرگواری پول دشت (دریافت) کند، به امید خدا در آن سال وضع مالی‌اش بهتر می‌شود. اگر برای کسی چنین اتفاقی روی دهد، سعی می‌کند سال‌های بعد هم از آن شخص «دشتی» بگیرد.

سمنو

اگر کسی برای تهیه و ریختن سمنو نذر کرده باشد، یک هفته قبل از عید حدود شش هفت کیلو گندم مرغوب بهاره را در چند سینی بزرگ می‌ریزد، خیس می‌کند و روی آن را با پارچه‌ای تمیز می‌پوشاند تا جوانه بزند.

وقتی طول جوانه‌ها به یک بند انگشت رسید و تا

در اغلب روستاهای بروجرد مراسم سیزده بدر را در روز چهارده فروردین می‌گیرند و به روز سیزده فروردین اصطلاحاً «سیزده با عید» می‌گویند و روز چهارده را روز «سیزده بدر» می‌دانند.

زمانی که رنگ آن سبز مایل به سفید است آن را می‌برند و در هاون می‌کوبند و شیره آن را جدا می‌کنند، شیره حاصل را در دیگ می‌ریزند و می‌جوشانند، مقداری متناسب آرد گندم بوداده را که به رنگ قرمز خرمایی است به محلول دیگ اضافه می‌کنند و با چوب مخصوص و تمیز (نوعی کف‌گیر چوبی) به هم می‌زنند و شعله اجاق را کم کرده، اطراف اجاق و محل پخت سمنو را تمیز و مرتب می‌کنند، یک جلد قرآن کریم و یک آینه در سینی روی فرشی می‌گذارند که برای این منظور پهن کرده‌اند.

مهمان‌هایی که دعوت شده‌اند با سلام و صلوات وارد می‌شوند و مبارکباد و نذر قبول می‌گویند و یک بار دور دیگ می‌گردند و بعد از پذیرایی هر کدام دو رکعت نماز حاجت می‌خوانند و شب را در کنار دیگ به انتظار قوام آمدن سمنو و متبرک شدن آن به صبح می‌رسانند.

بعد از اذان و نماز صبح دور دیگ جمع می‌شوند. سه بار بر پیامبر خدا درود و صلوات می‌فرستند و آنگاه در دیگ را باز می‌کنند و به تعداد همسایه‌ها و اقوام در ظروف کوچک سمنو از دیگ می‌کشند (برمی‌دارند).

کسانی که سمنوی نذری می‌گیرند، ظرف آن را خالی برنمی‌گردانند. بعضی‌ها بر این باورند که این ظرف باید سفید برگردد. بنا بر این باور در آن مقداری قند یا



نمک می‌ریزند و به صاحبش برمی‌گردانند. هرکس از سمنوی نذری کمی برای سفرهٔ عید برمی‌دارد.

سیزده نوروز (siza ve dar)

در اغلب روستاهای بروجرد مراسم سیزده بدر را در روز چهارده فروردین می‌گیرند و به روز سیزده فروردین اصطلاحاً «سیزده با عید» می‌گویند و روز چهارده را روز «سیزده بدر» می‌دانند.

بانوان بعد از صرف ناهار سنگی برمی‌دارند، یک تکه چوب (میخ چوبی) در زمین فرو می‌کنند، به این نیت که درد و بلا را در میخ چوبی جمع کرده و آن را در زمین فرو کرده‌اند. بعضی‌ها هم سبزه گره می‌زنند و نیت می‌کنند یا به قولی درد و بلا را گره می‌زنند تا حرکت نکند.

